

Research Article

Cognitive Indicators of Lifestyle Based on Quranic Knowledge

Maryam Zarkhani¹, Azam Etemadifard^{2*}, Kamal Khajepoor Banadaki²

Abstract

Lifestyle is considered the soul of every civilization, and since God-centeredness and the rule of Islamic values in life are among the most important criteria for the lifestyle approved by Islam, and since man is a metamaterial being created with spiritual needs, divine identity and life are introduced to extend to eternity, many of his behavioral abnormalities are due to the lack of proper formation of religious beliefs. Also, among these traits, some have a higher importance and position; because they play a key role in the knowledge of God and are also enlightening to other traits. The method of inductive materials and their logical analysis is carried out using library studies and reviewing theses and other reliable sources on the subject of research. The results show that man and his relationship with existence are the center and subject of lifestyle. Knowing the reality of existence and the existential dimensions of man and his relationships determines the framework of his lifestyle; therefore, from the analysis of ontological and anthropological foundations, we have achieved a worldview and from them we have discovered what is and what is not. The general outlines of the worldview in the Quran, which plays a fundamental role in determining ideology, have been three axes: a- Knowing God; b- Knowing the resurrection; c- Knowing the relationship between the world and the hereafter and eternal life.

Keywords: Lifestyle, Hadiths, Anthropology, Divine Lordship, Mu'tazilites

How to Cite: Zarkhani M, Etemadifard A, Kamal Khajepoor Banadaki K., Cognitive Indicators of Lifestyle Based on Quranic Knowledge, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2025;16(62): 35-50.

1. PhD student in Theology and Islamic Studies - Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Yazd Branch, Yazd, Iran

2. Assistant Professor, Quran and Hadith Sciences Department, Islamic Azad University, Yazd Branch, Yazd, Iran

شاخص‌های شناختی سبک زندگی با تکیه بر معارف قرآنی

مریم زرخوانی^۱، اعظم اعتمادی فرد^۲، کمال خواجه پور بنادکی^۳

چکیده

سبک زندگی، روح هر تمدن به شمار می‌رود و از آنجا که خدامحوری و حاکمیت ارزش‌های اسلامی در زندگی از مهمترین معیارهای سبک زندگی مورد تأیید اسلام است و از طرفی چون انسان موجودی فرامادی و سرشته شده با نیازهای معنوی، هویت الهی و حیاتی به امتداد ابدیت معرفی می‌شود که بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری او، ناشی از عدم شکل‌گیری صحیح اعتقادات دینی است. همچنین در میان این صفات، برخی از اهمیت و جایگاه بالاتری برخوردارند؛ زیرا در معرفت نسبت به خداوند، نقشی کلیدی دارند و روشن‌گر سایر صفات نیز هستند. از روش استقراء مطالب و تجزیه و تحلیل منطقی آنها با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی پایان‌نامه‌ها و سایر منابع معتبر با موضوع مورد پژوهش انجام شود. نتایج نشان می‌دهد که انسان و ارتباط او با هستی محور و موضوع سبک زندگی است. شناخت واقعیت هستی و ابعاد وجودی انسان و ارتباط-های او، چارچوب سبک زندگی او را مشخص می‌کند؛ ازاین رو از واکاوی مبانی هستی‌شناختی و انسان-شناختی به یک جهان‌بینی دست یافتیم و از آنها هست و نیست‌ها را کشف کردیم. خطوط کلی جهان‌بینی در قرآن که نقش اساسی در تعیین ایده‌ئولوژی دارد، سه محور الف- شناخت خدا؛ ب- شناخت معاد؛ ج- شناخت رابطه دنیا با آخرت و زندگی ابدی بوده است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، احادیث، انسان‌شناختی، ربوبیت الهی، معتزله

۱. دانشجوی دکترای الهیات و معارف اسلامی - علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران

ایمیل: etemadifard@iauyazd.ac.ir

نویسنده مسئول: اعظم اعتمادی فرد

مقدمه و بیان مسئله

شیوه و سبک زندگی انسان‌ها پیوندی عمیق و ناگسستنی با نوع دیدگاه و نگرش آنها به خود و جایگاه‌شان در عالم و نیز گرایش‌ها و ارزش‌های بنیادین آنها دارد، ازاین‌رو سبک زندگی انسان‌ها و جوامع حاکی از باورها، دیدگاه‌ها، روحیات و ارزش‌های ایشان است. سبک زندگی اسلامی در سبک زندگی مطلوب و آن نیز در سبک زندگی انسانی و الهی تجلی می‌یابد. سبک زندگی، چه در سطح انسانی و چه در رتبه الهی آن، از دو منظر قابل بررسی است: یکی، از منظر ایجاد و نهادینه ساختن آن در اجتماع؛ چرا که سبک زندگی اسلامی ساختنی است، نه یافتنی. دوم، از منظر ارزیابی وضع موجود و تعیین فاصله تا وضعیت مطلوب استخراج شاخص‌های سبک زندگی اسلامی، تأمین‌کننده هر دو منظر و هر دو منظور خواهد بود دعوت الهی در حقیقت، آب زندگانی است که فرد و جامعه را زنده می‌کند. بنابر آیه ۲۴ سوره انفال، وقتی خداوند متعال و رسول او به عقاید دینی، اخلاق دینی و حقوق دینی دعوت می‌کنند، اینها عامل حیات بوده، اجابت‌کنندگان آن، به حیات انسانی می‌رسند، ازاین‌رو، قرآن کریم بین زنده و کافر تقابل قرار داده (یس / ۷۰)، فرمود: انسان یا زنده است یا کافر؛ یعنی انسان یا مؤمن است یا کافر؛ اگر مؤمن بود، زنده و اگر کافر بود، مرده است. کافر حیات گیاهی و حیوانی دارد (فرقان / ۴۴)، اصطلاح سبک زندگی به روش زندگی مردم اشاره داشته و بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها می‌باشد. همچنین ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی است که در پی فرآیند اجتماعی شدن به وجود آمده است. به عقیده صاحب‌نظران، سبک زندگی هر فرد و جامعه متأثر از نوع باورها (جهان‌بینی) و ارزش‌های حاکم بر آن فرد و جامعه است. مشخص است که جهان‌بینی مادی و ارزش‌های لذت‌گرایانه طبیعتاً سبک زندگی خاصی را بوجود می‌آورند؛ همانطور که جهان‌بینی الهی و ارزش‌های کمال‌گرایانه و سعادت‌محورانه سبک خاص از زندگی را شکل می‌دهد؛ بنابراین با توجه به اینکه در جوامع مختلف در طول تاریخ و توسط ادیان مختلف، آیین و روش‌های دینی خاص مطرح بوده است؛ پس می‌توان انتظار داشت که سبک زندگی با تکیه بر معارف قرآنی نیز از سبک‌های مهم و تأثیرگذار در جوامع گوناگون است؛ بخصوص در عهدحاضر که کاستی‌های سبک زندگی غیردینی و مادی بر همگان روشن شده است. سبک زندگی از منظر قرآن کریم، مجموعه‌ای از موضوعات مورد قبول قرآن در عرصه زندگی است که بر اساس آن، معیار رفتار ما باید مبتنی بر دستورات قرآن و آموزه‌های آن باشد. خدامحوری و حاکمیت ارزش‌های اسلامی در زندگی از مهمترین معیارهای سبک زندگی مورد تأیید اسلام است. اسلام با احکام جاودانه خود، سبکی آرمانی و در عین حال، واقع‌گرایانه را پیشنهاد نموده است که مبتنی بر نگرشی متعالی به هستی انسان است و آدمی را موجودی مسئول و مختار می‌داند که سرنوشت او به دست خودش رقم می‌خورد. در این سبک زندگی غایت آموزه‌های دینی رهایی از سبک زندگی غیراسلامی و رسیدن به حیات طیبه

می‌باشد که ایمان و عمل و صالح، ملاک و معیار اساسی سبک زندگی اسلامی و دستیابی به حیات طیبه است. از طرف دیگر، چگونگی سبک زندگی انسان یعنی نگرش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها و اعمال فرد؛ ارتباط تنگاتنگی با مسئله شناخت دارد، بنابراین لازم است مبتنی بر اعتقادات و بنیان‌های فکری، ابتدا این شناخت به‌خوبی طراحی گردد تا سپس بتوان سبک زندگی مطلوبی را پایه‌گذاری نمود.

۱- معارف قرآنی راهکارهای ویژه‌ای در زمینه شاخص‌های خدا شناختی سبک زندگی دارد.

۲- معارف قرآنی راهکارهای ویژه‌ای در زمینه شاخص‌های انسان‌شناختی سبک زندگی دارد.

پیشینه تحقیق

موضوع مورد بحث در این پژوهش تاکنون به‌صورت مستقل در قالب مطالعه‌ای علمی ارائه نگردیده است ولی آثار بیشماری در زمینه سبک زندگی قرآنی به‌صورت پراکنده در بین اندیشمندان اسلامی، تمام کتب اخلاق اسلامی، سیره‌نویسی، آئین زندگی، پژوهش‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌ها، مورد مطالعه قرار گرفته است که در زیر به‌گزیده‌ای از این موارد اشاره می‌شود:

- محمد سعید مهدوی کنی (۱۳۸۷)، در کتاب "دین و سبک زندگی" کوشیده است تا ضمن بررسی نظری دین و تعالیم و معارف آن در باب سبک زندگی به بررسی نظریه‌های مختلف موجود درباره سبک زندگی در جوامع امروزی غرب و جایگاه دینی در آنها بپردازد. این کتاب همچنین سبک زندگی شرکت‌کنندگان در جلسات و مراسم‌های مذهبی را نیز مورد بررسی و مطالعه قرار داده است و با مصاحبه حضوری از این افراد، به تأثیرات دین بر روی زندگی فردی و اجتماعی افراد پرداخته است. این کتاب نیز به بحث مستقلی پیرامون اعتقاد به توحید افعالی و شاخص‌های شناختی و بینشی در سبک زندگی به‌ویژه از منظر قرآن کریم می‌پردازد.
- محمد کاویانی (۱۳۹۱)، در کتاب "سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن" به بیان درخت سبک زندگی اسلامی پرداخته‌اند و گزارشی از ساخت آزمون سبک زندگی اسلامی، اجرا و به‌دست آوردن ویژگی‌های روان‌سنجی آن، دستاوردهای مفهومی و آماری پژوهش و مقایسه‌ای بین سبک زندگی از دیدگاه اسلام و دیدگاه روانشناسان و بحث در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو نوع سبک زندگی ارائه داده‌اند. در واقع این کتاب، نگاهی گسترده از دریچه مدل تجویزی قرآن و به روش‌شناسی روان‌سنجی و روان‌شناسی به موضوع سبک زندگی داشته است.
- فاطمه محمدی (۱۳۹۴)، در پژوهش خود با عنوان "تبیین زندگی در قرآن کریم و دلالت‌های آن بر سبک زندگی" بر اساس چپستی و چرایی فلسفه زندگی در قرآن کریم، با روش قیاس عملی، اصول ذیل منتج گردیده است: ۱- اصل ایمان‌گرایی ۲- اصل شکوفایی فطرت ۳- اصل بهره‌گیری از فرصت‌ها ۴- اصل مسئولیت‌پذیری ۵- اصل اندیشه‌ورزی ۶- اصل استرجاع ۷- اصل عامل‌بودن.

سبک زندگی، روح هر تمدن به شمار می‌رود و از آنجا که خدامحوری و حاکمیت ارزش‌های اسلامی در زندگی از مهمترین معیارهای سبک زندگی مورد تأیید اسلام است و از طرفی چون انسان موجودی فرامادی و سرشته شده با نیازهای معنوی، هویت الهی و حیاتی به امتداد ابدیت معرفی می‌شود که بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری او، ناشی از عدم شکل‌گیری صحیح اعتقادات دینی است. پس بهتر است به سبک زندگی اسلامی (با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم) نگاه ژرف‌تری داشته باشیم؛ و در این راستا لازم است به بحث صفات الهی و اعتقاد به وجود خداوند و تأثیر آن در زندگی پرداخته شود. چرا که با اندیشیدن و بازاندیشی پیوسته در باب سبک زندگی اسلامی است که می‌توان به آرامشی ماندگار دست‌یافت و تمدنی پویا و خلاق تولید کرد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش شاخص‌های شناختی سبک زندگی با بکارگیری از معارف قرآنی و برشمردن برشمردن برخی صفات الهی (که انسان در ذات به خود نسبت می‌دهد)، نگاهی متفاوت به این موضوع داشته است.

یافته‌ها

تنظیم سبک زندگی و سنت حیات متکی به آموزه‌های اعتقادی است و از ریشه درخت عقاید می‌توان میوه‌های پرثمر اعمال صالح و سنت‌های ارزشمند و متعالی را برچید، به گونه‌ای که از آفت شرک و کفر و گناهان در اعمال و رفتار بر حذر باشد؛ یعنی درک اینکه جهان از یک مشیت حکیمانه پدید آمده است و نظام هستی بر اساس خیر وجود و رحمت و رساندن موجودات به کمالات شایسته آنها استوار است. در این میان برخی از باورها و ارزش‌ها نقش کلیدی و سرنوشت‌ساز در سبک زندگی در طراحی سبک زندگی دارند؛ مانند اعتقاد و جود به یگانگی خداوند، نبوت و امامت، معاد و حیات پس از مرگ. خداشناسی، تنها امری قلبی و ذهنی نیست. نوع فهم اهل ایمان از خدا، در روش، رفتار و کردار آنان تأثیر می‌گذارد. کسانی که از خدا تلقی جاهلانه و تنگ نظرانه دارند، رحمت خدا را محدود می‌کنند و خداوند را همواره بر کرسی غضب می‌نشانند به انتظار اینکه در بنده‌اش لغزشی پیدا و به عذاب ابد کشیده شود؛ چنانکه خوارخ خدا را این‌گونه فرض می‌کردند. هراندازه ایمان انسان قوی‌تر و شدیدتر باشد، نفوذ خداشناسی در وجود انسان بیشتر می‌گردد و شخصیت آدمی را بیشتر تحت سیطره خود قرار می‌دهد (مطهری، ۱۳۸۹: ۷)؛ بنابراین سبب اختلاف در سبک‌های زندگی همان قدرت انتخاب اندیشه‌ها و افکار است. رفتارها و موقعیت‌هایی را که انسان انتخاب می‌کند و آنها را ترجیح می‌دهد تشکیل‌دهنده سبک زندگی اوست (بهرامی، ۱۳۸۴: ۱۱). بر همین اساس است که می‌گوییم توحید اصل اول در جهان‌بینی الهی می‌باشد چنانچه در سوره‌ی اخلاص داریم: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ» توحید، ریشه‌ی تمامی معارف و اصول و فروع و اخلاق اسلامی است. "احد"، در مورد چیزی و کسی به کار می‌رود که قابل کثرت نباشد، نه در خارج و نه در ذهن. "صمد"، در اصل به معنای قصد کردن و

یا قصد کردن با اعتماد است. پس تنها خدای متعال است که تمام موجودات عالم در تمامی حوایجشان قصد او می کنند (قرآنی، ۱۳۶۶ : ۵۱). «لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره/۲۸۴) آنچه در آسمان ها و زمین است، از آن خداست؛ و (از این رو) اگر آنچه را در دل دارید، آشکار سازید یا پنهان، خداوند شما را بر طبق آن، محاسبه می کند (فیضی، ۱۳۹۲ : ۴۳). در ادامه به آثار اعتقاد به برخی صفات خداوند در سبک زندگی پرداخته می شود، انتخاب این صفات بر این مبنا بوده است که انسان به نحوی این صفات الهی را به خود نسبت می دهد و درک آنها در حد فهم و عقل انسان است همچنین در میان این صفات، برخی از اهمیت و جایگاه بالاتری برخوردارند؛ زیرا در معرفت نسبت به خداوند، نقشی کلیدی دارند و روشن گر سایر صفات نیز هستند، بنابراین مورد بحث قرار گرفته اند. این صفات می توانند زندگی انسان را تحت تاثیر قرار داده و جلوه هایی چون عبادت عاشقانه و خالصانه، رضایت داشتن به دستورات الهی، انجام خوبی ها و ترک گناهان، آرامش روحی و امید به زندگی، استقامت بر دستورات الهی، هدایت و حیات بخشی به دیگران را نمایان می سازد. قرآن کریم، نقشه راهی نورانی و نورافکن، و از آنجا که پرتوی از نور خداست همواره فروزان و جاودان است و هیچ گونه کزی و انحراف در آن راه ندارد. (آهنگری و میرصفی، ۱۳۹۹ : ۳۷)

آثار اعتقاد به صفت وحدت خداوند در سبک زندگی

خداوند در قرآن می فرماید: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه/۱۴) من «اللَّهُ» هستم؛ معبودی جز من نیست! مرا پرست و نماز را برای یاد من بپادار! می فرماید: خدایی که سزاوار پرستش باشد، جز من نیست. مرا پرستش کن و کسی را در عبادت شریک من نگردان و نماز را برای اینکه به تسبیح و تعظیم به یاد من باشی بپای دار؛ زیرا نماز جز برای یاد خدا نیست. یا اینکه مقصود این است که نماز را بپای دار تا من هم به مدح و ثنا به یاد تو باشم. اکثر مفسران قرآن معتقدند که منظور از جمله اخیر این است که هر وقت متذکر شدی که نمازی بر عهده داری بخوان خواه در وقت نماز باشی و خواه نباشی. در این جا مسئله توحید و شرک مطرح است، هنگامی آدمی خدا و سرپرست خود را تنها یکی و آن هم خالق جهان بداند تنها در فکر راضی کردن او می باشد و به آرامش خاصی دست می یابد و نگرانی و اضطراب از برآوردن خواسته های همه و جلب رضایت آنها را ندارد (قرآنی، ۱۳۶۶ : ۱۲)

آثار اعتقاد به صفات علم و اراده الهی در سبک زندگی

از اوصاف ثبوتی، کمالی و ذاتی خداوند، علم الهی است. خدا هم به ذات خود و هم به ذات همه موجودات آگاه است. از آنجا که خداوند صرف الوجود است و نامحدود است، مقتضای این نامحدود

بودن آن است که به تمام امور عالم باشد، زیرا هیچ مرتبه‌ای از مراتب وجود نیست الا این که خداوند به آن علم حضوری دارد؛ بنابراین خداوند به تمام حوادث، خیرات، مصالح و مفاسد، افعال موجودات، باطن و نیت آنها و هر چه در تصور آید علم دارد، اگر کلمه شیء بعنوان عام‌ترین مفهوم باشد این آیه کریمه مطلوب ما را ثابت می‌کند که می‌فرماید:

«وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» (طلاق/ ۱۲) و همانا علم خداوند به همه چیز احاطه دارد. امیر المؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «لا يعزب عنه عدد قطر الماء ولا نجوم السماء ولا سوافي الريح في الهواء ولا ديبب النمل على الصفا ولا مقيبل الذر في الليلة الظلماء. يعلم مساقط الأوراق و خفي طرف الأحداق.» (نهج البلاغه/ خطبه ۱۷۷) عدد قطرات آب، ستارگان آسمان، بادهای سهمگین، حرکت مورچه بر روی سنگ، خوابگاه مورچگان در شب تاریک از علم او پنهان نمی‌ماند، او محل افتادن برگ‌های درختان و نگاه‌های پنهانی چشمان را می‌داند. به متکلمان و فیلسوفان همگی برآند که خداوند «میرد» است. اراده در حقیقت به صفت علم برمی‌گردد.

علم الهی را می‌توان در سه مرحله مورد بحث قرار داد.

مرحله نخست: علم خداوند به ذات خود؛ / مرحله دوم: علم خداوند به موجودات، قبل از ایجاد آنها (علم به اشیاء در مقام ذات = علم ذاتی) / مرحله سوم: علم خداوند به موجودات، پس از ایجاد آنها (علم به اشیاء در مقام فعل = علم فعلی)

- علم خداوند به ذات خود

علم خداوند به ذات خویش علم حضوری است؛ همان گونه که علم نفس انسان به خود، علم حضوری است. اساساً علم، عبارت است از حضور معلوم نزد عالم. هر گاه موجودی مجرد از ماده باشد، بدون شك، واقعیت آن موجود برای خودش حاضر است؛ زیرا آنچه مانع حضور چیزی نزد خود می‌باشد، مادی و متغیر بودن آن است، و چون خداوند، منزله از ماده و پیراسته از تغیر است، ذات او نزد خودش حاضر است و او به ذات خود علم دارد.

- علم ذاتی خداوند به موجودات

- در چگونگی علم ذاتی خداوند به موجودات، آرای مختلفی نقل شده است. این آرا به سه مطلب مربوط می‌شود: یکی این که آیا علم ذاتی و پیشین خداوند به موجودات، حضوری است یا حصولی؟ آیا علم پیشین الهی به اشیاء علم اجمالی است یا علم تفصیلی؟ متعلق علم پیشین خداوند چه چیز است؟ وجود آنهاست یا ماهیت آنها؟

- علم پیشین به موجودات

درباره علم خداوند به موجودات در احادیث بحث شده و همچنین دیدگاه‌هایی مطرح شده است که در این مبحث به برخی از آنها اشاره می‌شود:

علم پیشین خداوند به موجودات، حضوری و اجمالی است و به وجود آنها تعلق دارد. این نظریه را شیخ اشراق و پیروان او برگزیده‌اند. بیان آن این است که چون خداوند به ذات خود عالم است و از طرفی ذات خداوند، علت موجودات است و علم به علت، سبب علم به معلول است، به طور اجمال؛ بنابراین خداوند در مقام ذات به همه چیز عالم است و علم او حضوری و اجمالی است.

اشکال این نظریه این است که علم تفصیلی بر علم اجمالی برتری دارد؛ در این صورت، بنابر نظریه یاد شده، علم ذاتی خداوند بر موجودات، کامل‌ترین علم نخواهد بود، در حالی که ذات خداوند، همه کمالات را به وجه اکمل، داراست: «و لله الاسماء الحسنی».

• نظریه معتزله

علم پیشین خداوند به موجودات، حصولی و تفصیلی است و به ماهیت آنها تعلق گرفته است؛ زیرا ماهیت آنها قبل از آن که موجود شود، (ماهیات معدومه) دارای نوعی ثبوت می‌باشد. چون ثبوت، اعم از وجود است. این نظریه، به معتزله منسوب است که به ثابتات ازلیه قائل شده‌اند. اشکال این نظریه، علاوه بر این که علم حصولی، چنان که خواهد آمد، در خداوند راه ندارد، این است که ثبوت مساوق وجود است، و چیزی که موجود نیست، ثبوت عینی ندارد. بنابراین، اعتقاد به ثابتات ازلیه از اساس نادرست است.

• دیدگاه ملاصدرا

علم پیشین خداوند به موجودات، علم حضوری است و از نظر اجمالی یا تفصیلی بودن، اجمالی در عین کشف تفصیلی است، زیرا خداوند در مقام ذات، کمالات وجودی همه موجودات را به نحو بساطت واجد است، چون وجود، حقیقتی است واحد و دارای مراتب، و عالی‌ترین مرتبه وجود، همان وجود خداوند است. بدیهی است که هر کاملی مراتب وجودی ناقص را دارد به علاوه مرتبه‌ای از کمال که ناقص آن را ندارد. اگر فرض کنیم انسان در علمی از علوم به همه مسائل آن آگاه است یعنی ملکه آن علم را دارد، به گونه‌ای که از هر مسأله‌ای از آن علم سؤال شود، او از قبل پاسخ آن را می‌داند، و پاسخ‌هایی که می‌دهد چیزی بر علم او نمی‌افزایند. هرگاه چنین فرضی در مورد انسان امکان پذیر است، چرا در مورد خداوند که واجب الوجود بالذات است، پذیرفته نباشد؟ این نظریه را صدرالمتألهین مطرح کرده است و همه پیروان حکمت متعالیه صدرایی آن را پذیرفته‌اند، و برترین تفسیری است که برای تبیین علم ازلی خداوند به موجودات ارائه شده است.

• احادیث

احادیث اسلامی نیز مؤید این نظریه (علم اجمالی در عین کشف تفصیلی) است، زیرا در روایات آمده است: «علمه به قبل کونه کعلمه به بعد کونه»؛ علم خداوند به هر چیز قبل از تحقق آن موجود، همچون علم او به آن موجود است پس از تحقق یافتنش. ایوب بن نوح در نامه‌ای از امام هادی (علیه السلام) پرسید: آیا خداوند قبل از آفریدن موجودات به آنها عالم بود یا نه؟ امام (علیه السلام) در پاسخ او نوشت: «خداوند قبل از آفریدن موجودات به آنان عالم بود، همان گونه که بعد از آفریدن به آنها علم دارد» حاصل آن که علم خداوند به موجودات در مقام ذات و قبل از ایجاد آنها، لازمه علم خداوند به ذات خود می‌باشد، همان گونه که وجود موجودات تابع وجود ذات الهی‌اند. «فکان علمه بجمیع ماعاده لازماً لعلمه لذاته، کما ان وجود ما عاده تابع لوجود ذاته». (ربانی گلپایگانی، ج ۲: ۵۴۷-۵۴۴)

- علم به موجودات پس از ایجاد

علم خداوند به موجودات پس از ایجاد آنها و به عبارتی علم به موجودات در مقام فعل، علم تفصیلی و حضوری است، ولی عین ذات خداوند نیست. چون فرض این است که این علم در مقام فعل است و فعل خارج از ذات است. در این جا واقعیت موجودات در عین این که فعل خداوند می‌باشند علم او نیز هستند. در مقام تمثیل می‌توان آن را به علم نفس انسان به صورت‌های ذهنی که ایجاد می‌کند تشبیه کرد. واقعیت این صورت‌ها هم فعل نفس‌اند و هم علم نفس، یعنی صورت‌های ذهنی مزبور به خودی خود نزد نفس حاضرند و از طرفی فعل و معلول نفس نیز می‌باشند. تفسیر علم فعلی خداوند به موجودات انسان به گونه‌ای مزبور، از ابتکارات شیخ اشراق است. بر این اساس فرقی میان موجودات مجرد و موجودات مادی وجود نخواهد داشت، زیرا همگی معلول و فعل خداوندند، و واقعیت آنها عین ربط به وجود الهی است، و همگی در محضر خداوند قرار دارند. (صدر المتألهین و علامه طباطبایی میان موجودات مجرد و مادی فرق گذاشته‌اند، حضور موجودات مجرد به خودی خود و بدون واسطه است، و حضور موجودات مادی به واسطه حضور صورت‌های مجرد آنها در عالم مجرد است. آنچه در متن آورده شد، دیدگاه حکیم سبزواری در این باره است. که به نظر استوارتر آمد. (همان: ۵۴۸)

درباره اینکه ماهیت اراده خداوند چیست، دو نظریه مطرح است:

اول: علم به اصلح؛ بنابراین نظریه اراده خداوند، نفس داعی است و آن علم الهی به اصلح است؛ یعنی اراده عبارت از علم خدا به صلاحی است که در امور نهفته است. بیشتر متکلمان شیعه بر همین عقیده‌اند. حکمای الهی نیز بر این معنا تصریح کرده و گفته‌اند که اراده حق تعالیم عین علم او به نظام احسن است و این علم منشأ آفرینش جهان به شمار است. شیخ طوسی گفته است که معنای مرید

بودن حق تعالی آن است که هرگاه کاری را مصلحت بداند، انجامش می‌دهد؛ چنان که اشیای عالم را به تدریج و آنگاه که مصلحت دانسته آفریده است.

دوم. نظریه علم و امر: شیخ مفید می‌گوید: «متعلق اراده الهی کارهای خدا و بندگان است. وصف ذات حق به اراده ازلی همانا وصف ذات او به علم ازلی است.» (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶، ۷۸).

الف) اصلاح نیت‌ها و تقوای الهی چون هیچ‌یک از مراتب وجود بر خداوند متعال پوشیده نیست، لذا ذهن و باطن انسان، افکار، نیت‌ها و قصدهای او نیز معلوم خداوند متعال است و هر آنچه از غیر پوشیده باشد برای خداوند متعال واضح و آشکار است، همانطور که در قرآن کریم می‌فرماید:

«يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ» (غافر ۱۹) خداوند به چشمه‌ای خائن و آنچه در سینه‌ها پنهان است آگاه است. و یا می‌فرماید: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى.» (علق: ۱۴) آیا انسان نمی‌داند که خداوند او را می‌بیند.

مولای متقیان می‌فرمایند: «إِتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخُلُوتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ» سر این که در مورد علم خدا بر جزئیات و اعمال و ضمائر و سرائر عباد تأکید و تذکیر بیشتری شده است، شاید این باشد که در اعتقاد به علم خدا آنچه ارتباط زیادتری با جنبه عمل دارد و عامل بازدارنده انسان از گناهان و معاصی است همانا ایمان داشتن به عالم بودن خدا بر جزئیات است؛ یعنی این عقیده در این بُعدش موجب بیداری وجدان بشر می‌باشد. هر چه باور انسان به علم الهی عمیق‌تر باشد، وارستگی انسان از پستی‌ها و آلودگی‌ها بیشتر می‌شود و هرگز به حقوق دیگران تجاوز و تعدی نمی‌کند و در گفتار نیز به تقوای لسان مزین می‌گردد و خلاصه آن که حرکت انسان داخل مرزها و حریم‌های الهی و انسانی در آشکار و نهان بیشتر خواهد بود.

رضایت به اوامر و نواهی

وقتی انسان یقین داشته باشد که قانون‌گذار الهی عالم مطلق است و هیچ مصلحت و یا مفسده‌ای از او پنهان و پوشیده نیست و از سوی دیگر علم انسان از هر جهت محدود و اندک و دانسته‌های در برابر مجهولات مانند قطره‌ای در مقابل دریاست؛ لذا انسان مؤمن با علم به این که مبدأ تشری احکام عالم مطلق است، برای او شکی حاصل نمی‌شود که این دستورات همه برای او نافع و سود بخش است، اگر در مرحله ظاهر به آنها پایبند است و اطاعت می‌کند، درون نیز ظاهرش را تصدیق کرده و نسبت به آن دستورات رضایت خاطر و آرام نفس دارد. همانگونه که خداوند متعال در قرآن به این مطلب اشاره می‌فرماید: «عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرَّةُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.» (بقره/۲۱۶) جهاد برای شما واجب شد در حالی که برای شما

نا خوشایند است و چه بسا شما از چیزی کراه داشته باشید در حالی که برای شما جز خیر نیست و چه بسا چیزی را دوس داشته باشید در حالی که جز شر برای شما نیست و خدا است که همه چیز را می‌داند و شما نمی‌دانید.

آرامش روحی

از مهم‌ترین آثار دینداری، حصول آرام و سکون در سایه اعتقاد به خداوند و علم و آگاهی او از احوال بنده‌اش می‌باشد، به‌گونه‌ای که انسان را از تنهایی نجات می‌دهد، بنابراین « دین و ایمان نقش مهمی در زدودن انواع تنهایی ایفا می‌کند. از این‌رو انسان مؤمن و خداپاور هیچگاه احساس تنهایی نمی‌کند؛ زیرا باور دارد که خداوند از رگ گردن به او نزدیک‌تر است... همچنین تنها خدا انسان را درک می‌کند؛ زیرا خدا بین انسان و تمام حقیقت او حائل می‌شود (أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ) (و خداوند از سر و پنهان تر از سر آگاه است) (يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى) و نیز خداوند که علم مطلق و قدرت مطلق و رحمت مطلقه دارد توانایی از بین بردن نقایص و ضعف‌های انسان را دارد) (إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) (أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (أَنَّ اللَّهَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ) و همچنین خداوند چون غنی مطلق استم در صدد رفع مشکلات انسان برآید. مولای متقیان علی علیه السلام در مورد حصول این آرام روحی به سبب اعتقاد به علم الهی می‌فرماید: « أَوْحَشْتَهُمُ الْغُرْبَةَ أَنْسَهُمُ ذِكْرَكَ وَإِنْ صَبَّ عَلَيْهِمُ الْمَصَائِبُ لَجَأُوا إِلَى الْأَسْتِجَارَةِ بِكَ، عِلْمًا بِأَنَّ أَمْرَةَ الْأُمُورِ بِيَدِكَ وَمَصَادِرُهَا عَنْ قَضَائِكَ. » (نهج البلاغه: خطبه ۲۲۷) اگر غربتشان به وحشت اندازد یاد تو آنان را آرام سازد؛ و اگر مصیبت‌ها بر آنها فرو بارد به تو پناه آرند و رو به درگاه تو دارند زیرا می‌دانند سر رشته کارها به دست توستم و از قضای چیزی است که در فرمان توست.

آثار اعتقاد به صفت وکیل بودن خداوند در سبک زندگی

« وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَ كَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا » (فرقان/۵۸) و توکل کن بر آن زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد؛ و تسبیح و حمد او را بجا آور؛ و همین بس که او از گناهان بندگان آگاه است!

تنها او وکیل و متصرف در امور بندگان خویش است و دارای حیات و ملک و علم مطلق است تنها او است که به گناهان بندگان، خبیر است و تنها او است که درباره آنان حکم می‌کند، بدون اینکه احتیاجی به کسی داشته باشد که او را در عمل یا حکمش یاری دهد. بنابراین وکیل قرار دادن خدا در امور زندگی از جمله روش‌هایی است که انسان با عمل به آن به سبک زندگی قرآنی خواهد رسید و آرامش روحی را کسب خواهد نمود.

« فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ » (توبه / ۱۲۹) اگر آنها (از حق) روی بگردانند، (نگران مباش!) بگو: « خداوند مرا کفایت می کند؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ بر او توکل کردم؛ و او صاحب عرش بزرگ است! »

آثار اعتقاد به صفت غفار بودن خداوند در سبک زندگی

« وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ » (آل عمران / ۱۳۵) و آنها که وقتی مرتکب عمل زشتی شوند، یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می افتند؛ و برای گناهان خود، طلب آمرزش می کنند و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد؟ و بر گناه، اصرار نمی ورزند، با اینکه می دانند. در عین حال همانطور که خداوند بخشنده است به بندگان خود سفارش کرده است نسبت به هم بخشش داشته باشید. خداوند نسبت به گناه و خطای بندگان بخشنده است و توصیه کرده بین شما هم مهربانی و بخشش حاکم باشد. «وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» و باید عفو کنند و گذشت نمایند مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشايد و خدا آمرزنده مهربان است» (نور / ۲۲) در این آیه توصیه نسبت به هم گذشت داشته باشید و اگر دوست دارید خداوند شما را ببخشد از گناه همدیگر بگذرید و همدیگر را عفو کنید.

آثار اعتقاد به صفت قدرت الهی در سبک زندگی

قدرت از صفات ذاتیه کمالیه خداوند متعال است و از آنجا که خداوند صرف الوجود است و اعلی مرتبه وجود است لذا دارای اعلی مرتبه از قدرت است و هیچ قدرتی فوق قدرت الهی متصور نیست، زیرا تمام موجودات مخلوق خداوند هستند و خداوند معطی قدرت به آنها است و معطی شیء نمی شود فاقد آن باشد (خرازی، ۱۴۱۷: ۴۳). اعتقاد به چنین قدرتی برای خداوند متعال اثراتی در زندگی انسان موحد دارد که به بعضی آنها اشاره می شود:

الف) خوف و رجاء / ایستادگی در برابر ظالمین / ج) توکل به خدا / د) خشوع و خضوع در برابر خداوند

آثار اعتقاد به صفت حیات الهی در سبک زندگی

در کتب لغت معانی متعددی برای حیات بیان شده است مانند رشد دهنده، حساس، قوای عاقله، نشاط یافتن و حیات در معنایی که برای خدای تعالی گفته میشود، زمانی که او را (هو الحی) میگویند.

پس برای حیات در این معنی مرگ و موت صحیح نیست و چنان حیاتی جز برای خدا نیست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۶۸). خداوند سبحان در قرآن کریم می‌فرماید:

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ» (بقره ۲۵۵) «خدا یکتا که جز او معبودی نیست زنده و قائم به ذات است. هیچ‌گاه خواب سبک و سنگین او را فرا نمی‌گیرد. استاد جوادی آملی در این باره می‌فرماید:

«وقتی حیات وصف ذاتی و نامحدود خداوند شد همانند ذات مطلق و بی‌نهایت است و پایان نمی‌پذیرد تا نوبت برسد به «موت» یا «نوم» یا «سنه» و چیزی که مخالف حیات است. حیات و مرگی که مقابل هم هستند و خواب و بیداری ای که مقابل یکدیگرند فعل خدا هستند و فعل خدا مقهور ذات اوست و مقهور هرگز بر قاهر حاکم نخواهد شدم پس حیات خدا نامتناهی و عین ذات اوست.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

آثار اعتقاد به صفت رحمت الهی در سبک زندگی

رحمت به معنی مهربانی است. راغب گوید: رحمت مهربانی و رقتی است که مقتضی احسان است نسبت بشخص مرحوم، گاهی فقط در مهربانی و گاهی فقط در احسان بکار می‌رود. وقتی خداوند با رحم وصف شود مراد از آن فقط احسان است نه رقت قلب (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۶۸).

از آنجا که هر صفتی که به خداوند متعال نسبت داده می‌شود باید از هر نقصی مبرا باشد بنابراین رحمت خداوند سبحان از نوع رقت قلب و انفعال‌پذیری نیست، بلکه به معنی اعطا و احسان او به دیگران است، چنانچه امیر المؤمنین علی علیه السلام در وصف خداوند فرموده است: «بصیر لا یوصف بالحاسه رحیم لا یوصف بالزفه» (نهج البلاغه / خطبه ۱۷۷). لذا می‌توان رحمت را به دو قسم رحمت عقلی و رحمت عاطفی تقسیم کرد رحمت عقلی همان رحمت تکوینی و حقیقی است که مجرد از رقت و عواطف است که به خداوند سبحان نسبت داده می‌شود و رحمت عاطفی که همراه با احساسات و عواطف است که این قسم از رحمت به دلیل نقص داشتن به خداوند تعالی نسبت داده نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۱۵). با توجه به آنچه در بیان معنی رحمت گذشت، از جمله آثار اعتقاد به رحمت الهی در سبک زندگی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- الف) مهربانی با همگان / ب) تسخیر قلب دشمنان با محبت / ج) عقلایی بودن رحمت انسان
- د) امید به یاری خداوند پس از توبه / ه) تشویق به انجام خیرات

آثار اعتقاد به رزاقیت خداوند در سبک زندگی

طبق آموزه‌های قرآنی رزق دهنی تنها منحصر به خداوند متعال می‌باشد، چنانچه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ.» با توجه به معرفه بودن خبر به الف و لام در "الرَّزَّاقُ" و ضمیر فصل (هو) مفید حصر و تأکید است، یعنی غیر از خداوند هیچ موجودی رازق نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۳۷). باور به این مطلب که غیر از خداوند رازقی وجود ندارد می‌تواند در زندگی انسان موحد منشأ آثاری باشد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) عدم ترس از انفاق مال / ب) تشویق و ترغیب به ازدواج / ج) فرزنداوری

نتیجه‌گیری

از آن جایی که بهترین الگو برای زندگی انسان‌ها کلام الهی است؛ از همین رو برای تبیین صفاتی که در زندگی انسان‌ها تاثیرگذار است از کتاب الهی استفاده نموده ایم. همچنین محقق درصدد حل این مسئله است که خلأهای موجود در پژوهش‌های دیگر را تکمیل نماید از این رو به بررسی آثار صفات الهی در زندگی انسان پرداخته است که پژوهش‌های پیشین مورد بررسی قرار نگرفته و یا جنبه‌های دیگری را بیان کرده است. تفکر در صفات ذات خداوند متعال موجب تحول بنیادین در سبک زندگی انسان موحد می‌گردد زیرا او همیشه خود را در محضر خداوند علیم می‌داند که به تمام افعال و نیات بنده خود آگاه است، لذا او آنگونه که خدای می‌پسندد رفتار می‌کند و آنگونه که او دوست دارد حرف می‌زند و همیشه رضای او را در اعمال و گفتار خود در نظر می‌گیرد، به کسی غیر از خدا دل نمی‌بندد و از کسی جز خدا هراس ندارد، تمام هستی را خیر محض می‌داند و در انفاق اموال خود به فقرا و مساکین می‌کوشد و از هیچ کس جز خداوند متعال هراسی به دل راه نمی‌دهد. انسان و ارتباط او با هستی محور و موضوع سبک زندگی است.

به طور کلی باید اذعان نمود که تاثیری که پرداختن به سبک زندگی بر اخلاق دارد از چند جنبه مهم است؛ اول اینکه، افزایش آگاهی و آموزش مهارت‌های زندگی باعث افزایش توانمندی انسان در مواجهه با مشکلات زندگی می‌شود و اگر این آگاهی و برنامه آموزشی در یک مقطع رشدی مناسب ارائه شود، نقش برجسته‌تری خواهد داشت. نکته دوم اینکه، باید توجه نمود که آنچه امروزه به سبک مهارت‌های زندگی معروف است و توصیه می‌شود، فقط حاصل کار پژوهشگران عصر حاضر نیست، بلکه بسیاری از این مهارت‌ها در لابه‌لای تعالیم الهی، به‌ویژه در قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم السلام) بیان شده است. نکته بسیار مهم در اهمیت و ضرورت تربیت دینی آن است که اگر رشد و تقویت حس دینی و اخلاقی را از جامعه‌ای حذف کنیم، دیگر جامعه انسانی نخواهیم داشت و در چنین وضعی شئون اخلاقی، انسانی، عواطف و فضایل والا از میان خواهد رفت و رفتار فردی، خانوادگی و اجتماعی به‌سوی هرج و مرج و تزلزل پیش خواهد کرد؛

بنابراین پژوهش حاضر می‌تواند اهمیت تربیت و باورهای دینی را واکاوی کرده و راهکارهایی جهت هر چه نزدیک‌تر شدن سبک زندگی به سبک زندگی اسلامی ارائه دهد. «سبک زندگی» را می‌توان به مجموعه‌ای کم‌وبیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آن را به کار می‌گیرد، چیزی که نه فقط نیازهای جاری او را تأمین می‌کند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران متجسم می‌سازد. سبک زندگی، مجموعه‌ای از رفتارهای قابل مشاهده و بیانگرانه در میان افراد است.

منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
- آهنگری، بهروز و حسینی میرصفی، سیده فاطمه. ۱۳۹۹ش، تاثیر ظرافت های حیات دنیوی بر زندگی اخروی از منظر قرآن، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال یازدهم، شماره ۴۳، ص ۳۵-۵۶.
- بهرامی، محمد حسین. ۱۳۸۴ش، سبک زندگی اسلامی، مجله ی ره آورد نور، شماره ۱۱.
- پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶ش، فرهنگ شیعه، چاپ دوم، قم: زمزم هدایت.
- پیشگر، زری، سمون مهدوی، مرتضی. سید هاشمی، سید محمد اسماعیل. ۱۳۹۸ش، مبانی و اصول انسان شناختی اسلامی و ولایت‌های آن در سبک زندگی خانوادگی، نشریه علمی آینه معرفت، دانشگاه شهید بهشتی، صص ۸۳-۱۱۰.
- جوادی آملی، عبد الله. ۱۳۹۰ش، شمیم ولایت، قم: نشر اسراء. چاپ دوم، ص ۴۶۸.
- جوادی آملی، عبد الله. ۱۳۸۷ش، توحید در قرآن، قم: نشر اسراء. چاپ چهارم.
- جوادی آملی، عبد الله. ۱۳۸۸ش، تفسیر تسنیم، نشر اسراء، قم: چاپ هشتم، ج ۱۶.
- جوادی آملی، عبد الله. ۱۳۸۸ش، تفسیر تسنیم، نشر اسراء، قم: چاپ هشتم، ج ۱.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۸ش، تسنیم، چاپ دوم، قم: نشر اسراء، ج ۱۲.
- خرازی، سید محسن. ۱۴۱۷ق، بادیة المعارف فی شرح عقائد الامامیة، مؤسسة النشر الاسلامی، قم: چاپ چهارم، ج ۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، مشق بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. ۱۳۹۴ش، اصول سبک زندگی، دوفصلنامه علمی - تخصصی پژوهش‌نامه سبک زندگی، سال اول، شماره اول، صص ۷۷-۴۷.
- سبحانی، جعفر. ۱۳۸۰ش، مرزهای توحید و شرک در قرآن، تهران: نشر مشعر، چاپ اول.
- سبحانی، جعفر. ۱۳۸۹ش، سیمای عقاید شیعه، ترجمه جواد محدثی، تهران: انتشارات مشعر.
- سبحانی، جعفر، محمدرضایی، محمد. ۱۳۹۲ش، اندیشه اسلامی ۱، چاپ ۱۴، قم: دفتر نشر معارف.
- شریعتی، صدرالدین. ۱۳۹۲ش، درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات، تهران: مجله فرهنگ مشاوره و روان درمانی، شماره ۱۳، صص ۱۰-۱.

فیضی، مجتبی. ۱۳۹۲ ش، درآمدی بر سبک زندگی اسلامی، ماهنامه معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۵۸۱، صص ۲۷-۴۲.

قرانتی، محسن. ۱۳۶۶ ش، مجموعه درس‌هایی از قرآن، چاپ چهارم، انتشارات در راه حق.
محمدی، فاطمه. ۱۳۹۴ ش، تبیین فلسفه زندگی در قرآن کریم و دلالت‌های تربیتی آن بر سبک زندگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی.
مطهری، مرتضی. ۱۳۶۸ ش، ج ۳، ۲۲ و ۲۵، تهران: انتشارات صدرا.
مطهری، مرتضی. ۱۳۸۹ ش، جهان بینی توحیدی، تهران: نشر صدرا.

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: زرخوانی مریم، اعتمادی فرد اعظم، خواجه پور بنادکی کمال، شاخص‌های شناختی سبک زندگی با تکیه بر معارف قرآنی، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۶، شماره ۶۲، تابستان ۱۴۰۴، صفحات ۳۵-۵۰.